

صلح شتابزده بایدن برای افغانستان

دستور کار امریکا برای یکسره کردن بحران افغانستان تا قبل از اول ماه می، پایه‌های صلح را در استانبول لرزان خواهد کرد



■**سیدعباس حسینی**

افغانستان، منطقه و جهان در آستانه یک کنفرانس سرنوشت‌ساز در شهر استانبول ترکیه قرار دارند؛ کنفرانسی که امریکایی‌ها می‌خواهند در آن، به صورت شتاب‌زده و با همه توان خود، مسئله افغانستان را یکسره کنند. امریکا، سازمان ملل، قطر و همچنین ترکیه مسئولیت برگزاری این نشست را بر عهده دارند و حتی برای آن، طرح از پیش آماده شده و همچنین دستور جلسات، را آنچه به آن آجندا گفته می‌شود، تهیه و به طرفین در گیری (دولت افغانستان و گروه طالبان) ابلاغ کرده‌اند.

براساس اعلام منابع، قرار است نشست استانبول برای صلح افغانستان به مدت ۱۰ روز، از ۱۶ تا ۲۶ آوریل (۲۷ فروردین تا ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰) برگزار شود، اما سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر اعلام کرده، براساس تصمیم رهبری، این گروه نمی‌تواند در چنین تاریخی در نشست استانبول شرکت کند. پیش از این، طالبان خواستار به تعویق افتادن زمان این نشست به بعد از ماه رمضان شده بود، اما امریکا که خواهان یکسره شدن بحران افغانستان تا قبل از اول ماه می، آخرین ضرب‌الاجل این کشور باطالبان برای خروج از افغانستان است، قطعاً بر برگزاری نشست استانبول در تاریخ اعلام شده، پافشاری خواهد کرد.

همزمان با این تحولات، زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه امریکا برای آخرین بار، قبل از برگزاری نشست استانبول برای صلح افغانستان، با رهبران این کشور در کابل دیدار کرد و آخرین سنگ‌های خود را با آنها واگند و اتمام حجت‌های لازم را انجام داد.

■**طرح امریکا برای صلح افغانستان**

رهبران افغانستان به دنبال انتخابات ریاست جمهوری امریکا در انتظار معجزه مسیحیجایی جو بایدن بودند تا با روی کار آمدن او آنچه دونالد ترامپ برای صلح این کشور و توافق با طالبان یافته بود، رشته رشته کند، اما ورق به گونه دیگر برگشت و تیم بایدن حتی نتدر از تیم ترامپ به صحنه آمده و با ارسال و دیکته طرحی ویژه به رهبران افغانستان، همدار دادند که چارهای جز کنار رفتن محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور و تشکیل یک دولت مشار کتی و

گزارش

«اشبال الخلافه»

امیدهای آینده امریکا برای خلافت داعش



و تحلیل قرار بگیرد که البته هدف غایی از این اقدام، استفاده از این کودکان برای اقدامات تروریستی در بادیه سوریه و عراق است.
پرونده کودکان داعشی، معروف به «اشبال الخلافه»، پرونده پیچیده‌ای است که مورد غفلت جامعه جهانی قرار گرفته است. این در حالی است که اطلاعات خطرناکی از وجود هزاران زن و کودک داعشی منتشر می‌شود که در زندان‌های قسد و نیروهای امریکایی در شمال شرقی سوریه به بازداشت شده‌اند. در این میان، بی‌رقبیتی جامعه جهانی و کشورهای صادرکننده تروریست‌ها برای استقبال از این کودکان و خانواده‌های‌شان گمانه‌زنی‌ها را دربار بهرهمرداری سیاسی از این پرونده تقویت می‌کند؛

موقت با طالبان در نتیجه کنفرانس استانبول ندارند. براساس این طرح که رئیس‌جمهور و دولت افغانستان به شدت با آن مخالف است، با امضای توافقنامه در نشست استانبول، «حکومت انتقالی صلح» تشکیل‌شده و تا زمانی که قدرت پس از «تصویب قانون اساسی جدید» از حکومت صلح به «حکومت منتخب و دائمی» منتقل می‌شود، بر سر کار باشد. براساس این طرح، حکومت انتقالی صلح متشکل از سه شاخه جداگانه و مساوی «داره اجرایی، شورای ملی و قوه قضائیه» خواهد بود. علاوه بر آن یک شورای مستقل و عالی «فقه اسلامی» و «کمسیون تدوین قانون اساسی جدید» در آن اضافه خواهد شد.

■**طرح دولت افغانستان**

با ارائه این طرح به رهبران افغانستان، کمیته ویژه‌ای در شورای عالی مصالحه ملی این کشور ایجاد شد تا روی طرح نهایی افغانستان برای نشست استانبول رایزنی کند. گزارش‌ها حاکی از ارسال ۳۰ طرح از سوی جناح‌ها و احزاب گوناگون سیاسی افغانستان به این کمیته است که یکی از آنها، طرح محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور این کشور است. در نهایت، این کمیته روز یک‌شنبه (۲۲ فروردین ۱۴۰۰) اعلام کرد که طرح یک‌دست‌شده و منسجمی را از میان این ۳۰ طرح نهایی کرده و در اختیار رهبری شورای عالی مصالحه ملی قرار داده است.

بخش عمده این طرح که در حقیقت بازبینی طرح ارائه شده توسط امریکاست، طرح رئیس‌جمهوری افغانستان است که پایه آن، برگزاری انتخابات زودهنگام در این کشور و انتقال قدرت به صورت مشروع به فرد منتخب بعدی است. در این زمینه اشرف غنی تأکید کرده که حاضر است در انتخابات آینده ریاست جمهوری در این کشور شرکت کند.

هر چند اشرف غنی در طرح خود با انتقال قدرت در افغانستان بدون برگزاری انتخابات مخالف و بر برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری در طول شش ماه تأکید کرده است، اما اطلاعات منتشر شده در مورد پیش‌نویس آماده شده طرح صلح دولت افغانستان، حاکی از توجه به تشکیل دولت انتقالی صلح است.

در ادامه آمده‌است که دولت انتقالی صلح شامل بخش‌های مجزا و مساوی ذیل خواهد بود: ۱- قوه اجرایی؛ ۲- شورای ملی (پارلمان متشکل از دو مجلس)؛ ۳- قوه قضائیه؛ شامل دادگاه عالی و دادگاه‌های ابتدایی و ثانوی. این دولت همچنین دربرگیرنده «شورای فقه اسلامی» (براساس طرح امریکا، شورای عالی دولت؛ دیوان عالی قانون اساسی و کمسیون تعدیل قانون اساسی خواهد بود. در همین بخش و درخصوص قوه اجرایی آمده‌است که این نهاد دربرگیرنده رئیس‌جمهور و چهار معاون از جمله یک زن و صدراعظم (نخست‌وزیر) و چهار معاون از جمله یک زن، وزرای کابینه، رؤسای ریاست‌های مستقل و سایر ادارات خواهد بود. شورای فقه اسلامی که در طرح امریکانیز به آن اشاره شده، مدلی شبیه شورای نگهبان در جمهوری اسلامی با صلاحیت‌های قانونگذاری و همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام با صلاحیت تعیین خطوط کلی سیاست‌های دولت افغانستان است.

همانطور که دیده می‌شود، آنچه از آن به‌عنوان پیش‌نویس طرح دولت افغانستان یاد می‌شود، طرح غریض و طوبلی است که نه تنها ساختار رهبری دولت را گسترده ساخته، بلکه آن را بیش از پیش درگیر بروکراسی و فساد مرکبار در دولت این کشور می‌کند. هر چند تنظیم‌کنندگان این پیش‌نویس نیت‌شان از این اقدام، تلاش برای تأمین وحدت ملی در این کشور از طریق دادن سهمیه به اقوام، مذهب و اقشار و گروه‌های مختلف است، اما مخالف رویه‌های معمول در نظام‌های اداری جهان است.

■**طرح طالبان**

باوجود گذشت هفته‌ها از ارائه طرح جدید امریکا برای صلح افغانستان و همچنین سیری شدن مامه‌ا از آغاز مذاکرات طالبان با امریکا و پس از آن، مذاکرات بین‌الافغانی، این گروه تاکنون طرح مشخصی برای صلح در این کشور و آینده نظام سیاسی افغانستان ارائه نکرده است. هر چند به نظر می‌رسد طالبان از طرح امریکا، به‌خصوص تشکیل دولت انتقالی صلح و کنار رفتن اشرف غنی حمایت می‌کند، اما این گروه تاکنون براساس باورها و اندیشه خود، هیچ مانفست یا ساختاری را برای ایجاد دولت آینده افغانستان ارائه نده است.

در چنین شرایطی، گروه طالبان با تمسک به «شریعت اسلامی»، دست باز بیشتری برای مخالف با طرح اصلاح شده دولت افغانستان برای نشست استانبول با طرح دولت امریکا خواهد داشت و می‌تواند نشست استانبول را هم بدون نتیجه پایان دهد، مگر اینکه امریکا به یک معامله پنهانی با طالبان نزنه و در برخی پیش‌شرط‌های این گروه را از جمله آزادی زندانیان و خروج نام‌رهبران طالبان از لیست سیاه سازمان ملل بپذیرد؛ امری که از هم‌کنون برخی شخصیت‌ها و افراد آگاه نسبت به آن، اعلام خطر جدی کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی، با وجود اینکه به نظر می‌رسد در سطح جنگی جهان یک اجماع پیرامون روند صلح افغانستان شکل گرفته، به‌خصوص پیرامون برگزاری نشست استانبول، اما هنوز اجماع لازم در میان طرف‌های افغانستانی وجود ندارد. تنوع دیدگاه‌های افغانی و خام و غیرواقعی بودن طرح‌های داخلی، به‌خصوص اینکه طالبان هنوز هیچ طرحی برای صلح ارائه نکرده است، کار را برای رسیدن به توافق نهایی با طالبان در ترکیه سخت‌تر خواهد کرد، به‌خصوص اینکه همه تلاش کرده‌اند طرح امریکا را مورد بازبینی قرار بدهند، تا اینکه خود طرح صلح را ارائه کنند. در چنین شرایطی، نگرانی جدی دیگران این است که کنفرانس استنبول نیز همانند کنفرانس بن با پافشاری و لجابت امریکا، به یک تهداب مرئی و ناکام دیگر برای آینده صلح در افغانستان منجر نشود.

پرونده



عربستان می‌خواهد مخالفان طرح سازش موازی را کنار بزند

ردپای بن‌سلمان در کودتا علیه عبدالله

■**سیدنعمت‌الله عبدالحمیدزاده**

پادشاهی اردن برخلاف بسیاری از کشورهای عربی توانست از اعتراضات موسوم به بهار عربی جان سالم به در ببرد و نه مانند کشورهای شمال آفریقا دچار فروپاشی سیاسی شد و نه مثل سوریه و یمن درگیر جنگ داخلی. در واقع، اردن با نوعی مصالحه بین حاکمیت و احزاب سیاسی توانست آن طوفان را پشت سر بگذارد، اما کودتای ناکام سوم آوریل ۲۰۲۱ و دستگیری چند مقام ارشد نشان داد که مشکل اصلی این پادشاهی بیشتر از اینکه در خیابان‌ها باشد، در قفسر سلطنتی و دخالت‌های خارجی به‌خصوص از سوی همسایه جنوبی است. به عبارت دیگر، اردن با وجود ۱۰ سال جنگ داخلی در همسایه شمالی باز توانسته خود را از پیامدهای آن حفظ کند، اما حالا معلوم شده که خطر واقعی برای این کشور از سوی همسایه جنوبی و به‌خصوص جاملطبی‌هایی است که ولیعهد همسایه جنوبی برای سيطرة بر کشورهای عربی دارد. از این رو، ردپای محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی آشکار تر از آن است که بتوان آن را نادیده گرفت و مسئله این است که او با سرنگونی پادشاهی اردن چه هدفی را دنبال می‌کند.

■**کودتای ناکام**

باحساب کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ترکیه، می‌توان گفت که این دومین‌باری است که ولایتعهدی عربستان سعودی محمد بن‌سلمان سعی کرده از طریق کودتای یکی از حکومت‌های خاورمیانه را سرنگون کند. این‌بار شخصیت اصلی کودتا آنقدر به محمد بن‌سلمان نزدیک است که حاکمیت سعودی نمی‌تواند به راحتی نقش و ردپای بن‌سلمان را در این ماجرا پاک کند. این شخصیت کسی به نام باسم عوض‌الله است. باسم در گذشته از مقام‌های ارشد اردن بود و مقام ریاست دربار پادشاهی را داشت و بعد ملک‌عبدالله دوم پادشاه اردن او را به‌عنوان نماینده خود در عربستان منصوب کرد تا اینکه وی را در ۲۰۱۸ از این مقام برکنار کرد.

■**جریان موازی**

انگیزه دیگر بن‌سلمان را برای سرنگونی ملک عبدالله باید در روابط کشورهای عربی و همکاری جست که طی سه سال گذشته بین سه کشور عراق، مصر و اردن به وجود آمده است. فهد الغضنفر قوریه گذشته و در روزنامه اردنی القذ همگرایی بین این سه کشور را به‌عنوان «در هم تیدن منافع» توصیف کرد و اینکه «حمادی از یک رویکرد جدید در مناسبات عربی است.» او در این مورد نوشت: «تعمایل دارم تا به اثتلاف مذکور، عنوان محور اردن، مصر و عراق اطلاق کنم؛ ائتلافی که منافع راهبردی برای سه کشور به دنبال داشت و پس از سال‌ها اختلافات سیاسی، به روابط بین عربی اعتبار خواهد بخشید. بنی نیست که این محور نمی‌تواند به مذاق بن‌سلمان خوش بیاید؛ چراکه جریان موازی با محور چند سال اخیر سعودی-اماراتی ایجاد می‌کند. اتحاد بن‌سلمان با محمد بن زاید، ولیعهد امارات طی این چهار سال نقش اساسی در بحران‌های جهان عرب از لیبی گرفته تا یمن و قطر داشته است و شکل‌گیری محوری جدید بر مبنای سه کشور عراق، اردن و مصر می‌تواند به نحو مؤثری بر آن سایه بیندازد. باید توجه داشت که این سه کشور موضع واحدی در مخالفت با توافقات اخیر عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با رژیم‌صهیونیستی داشتند و تقویت این موضع می‌تواند به نحو اساسی بر همکاری مخفی بن‌سلمان با رژیم‌صهیونیستی تأثیر بگذارد. از این رو، بن‌سلمان می‌توانست با سرنگونی ملک عبدالله و روی کار آمدن فردی دست‌نشانده همانند حمزه بن حسین، با این جریان موازی را به‌طور کلی از کار بیندازد یا اینکه به کمک باسم عوض‌الله مهار آن را به طور کلی در دست بگیرد تا مانعی بر سر راه نفوذش در کشورهای عربی نباشد.

اکنون با شکست کودتای بن‌سلمان در اردن باید انتظار پیامدهای آن را داشت. اصرار امان به بازداشت باسم نشان می‌دهد که اردن همه چیز را تمام‌شده نمی‌داند، بلکه از طریق او نه تنها به دنبال خنثی کردن دیگر نیروهای حامی کودتا در داخل و خارج از کشور است، بلکه قصد روشن کردن نقش بن‌سلمان را در این ماجرا دارد. در این صورت، ماجراجویی‌های بن‌سلمان هزینه‌ای دیگر برای آل‌سعود به دنبال داشته که نمی‌توان گفت کمتر از هزینه کودتای ۲۰۱۶ ترکیه، تجاوز نظامی به یمن و محاصره قطر است.